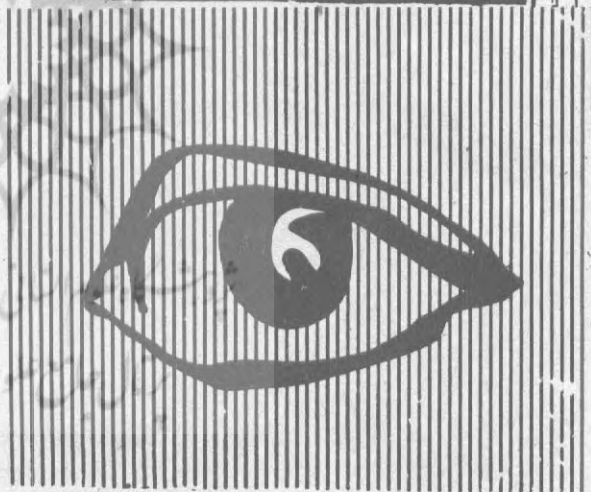
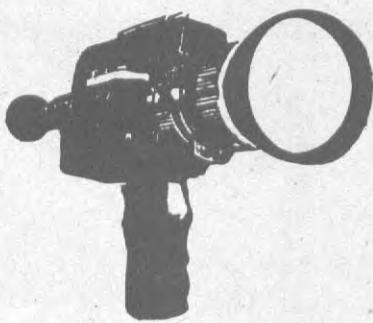
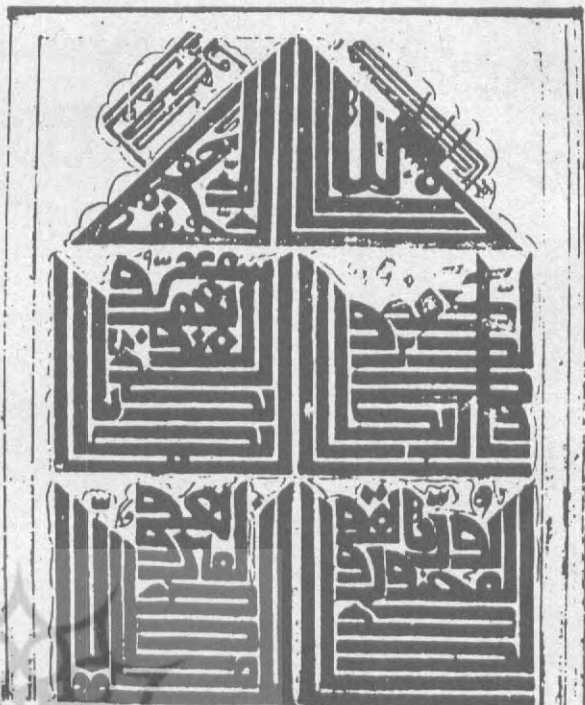


هر گونه خطایی بوده است؟ مسلم است که به واقع این گونه نبوده و مادامی که فکری صحیح و درست برای این سینما نشود، وضع به همان متوال گذشته خواهد بود.

اصلی ترین معضل سینمای ایران، آن چنان که بارها گفته شده و پنداری که هیچ کس هم به گوش نگرفته، استیلای سلیقه های فردی و خواسته های شخصی بر فضای آن است؛ فضای سینمای ایران با نگاه هایی کاملاً شخصی آمیخته شده است؛ وجود همین نگاه هاست که برای آن تعیین معیار می کند، مرزبندی ها را مشخص می سازد (البته نه به شکلی عیان)، آدم ها را متر می کند و به آنها اجازه حضور می دهد، فیلم ها را می سجد و می گوید که می تواند به منصفه ظهور برسد یا خیر. و از همین نقطه است که گرفتاری ها آغاز می شود؛ فیلمساز تکلیفش را نمی داند. و از



همین نقطه است که تعارض ها رخ می نماید؛ هیچکس راه مشخصی در پیش ندارد. در چنین گستره ای نامتعادل، ناظر حضور هر آن کس که با نگاه او همسویه نیست را مردود می شمارد. و نتیجه این امر، آن است که عمده فیلمسازانی که بر دانش و توان آنها نسبت به سینما آگاه هستیم، گوشه نشینی اختیار می کنند و بیکار می شوند. این مسأله تا بدان جایی پیش می رود که حتی فیلمسازی چون حاتمی کیا که خود از دل انقلاب بیرون آمده و اندیشه هایش بیانگر اهداف انقلاب است، در تنگناهایی به وجود آمده از سلیقه های فردی گرفتار می شود و به سختی فرصت فیلمسازی می یابد. چگونه است کارگردانی که تا به دیروز فیلمسازی انقلابی، مسلمان و متعهد خوانده می شد، حالا از چشم دید همان کسان خرقة نامسلمانی به دوش افکنده؟ آنچنان که از فیلم های این

■ امیدها و آینده

بر کسی پوشیده نیست که سینمای ایران همواره دستخوش تحولات و تغییرات بسیاری بوده است. هر آن کس که آمده و بر مسند سیاست گذاری و نظارت نشسته، این سینما را به همان راهی کشانده است که خود می خواسته. ناظران سینمایی ایران در آن مقاطعی که بر سر کار بوده اند، خود را پیام آورانی فرض کرده اند که قصدشان به ظاهر نجات بخشی سینما بوده است. با چنین فرضی است که آنها راه خطا را در خود ناچیز پنداشته و گمان کرده اند که هر آن چیز که خود گفته اند، امری است صواب که حاصلش به نفع سینما خواهد بود. اما آیا در واقعیت هم چنین بوده است؟ آیا روندی که این سینما پیموده، بی نقص و عاری از

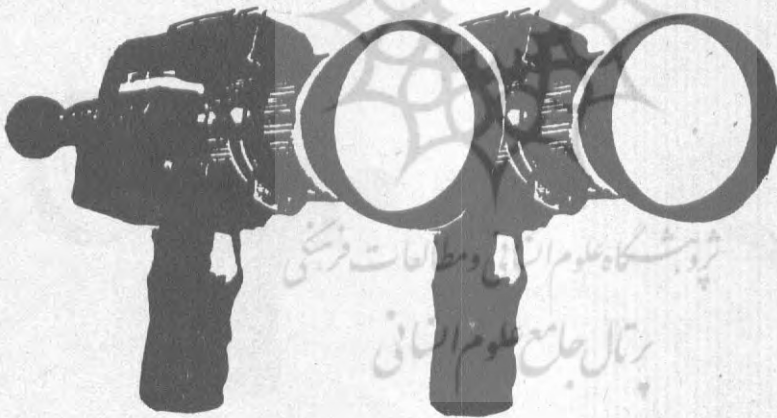
فیلمساز برمی آید او هنوز بر اعتقادات دینی اش پافشاری می کند، پس چرا این گونه تحت فشار قرار می گیرد؟ قصد مانع عمده کردن حاتمی کیا که برداشتن مشتی از خروار است. مخلص کلام اینکه در چنین فضایی، فیلمساز با محدودیت های بی شماری مواجه است که تنها با همان نگاه های شخصی مواجه است و نه با قوانین اصولی و اساسی که همگان بر آن آگاه هستند.

اکنون ما به مقطع تازه ای از انقلاب پا گذاشته ایم؛ تا روزهایی دیگر با دولت جدید روبرو هستیم که از پیش، بنا نهادن ساختاری آزاداندیش را مدعی بوده است؛ و بر همین مدعاست که ما امیدوار گسترش فضای یاد شده خواهیم بود: فضایی که در آن از جزم اندیشی خبری نیست و هر فیلمساز فهیم و آگاهی فرصت کار پیدا خواهد کرد. ما راه چاره را در رها شدن از ذائقه های فردی

آشفته گی و پراکندگی را دور کنیم، راه های وصل را مهیا سازیم، دشمنی ها را کنار بگذاریم و جایگزین آن آشتی و صلح قرار دهیم. ما این همه را زیر سایه دولت آینده یافته ایم و بر تحقق آنها امید بسته ایم؛ چرا که پیشتر از این، همین ها را به گوش شنیده ایم و حالا منتظر فراهم آمدن آنان هستیم. ما باید سینمای خود را از نگاه های سطحی و سخیف دور کنیم و دانش و فرهنگ را جانشین آن کنیم. و این نه بدان معناست که جایگاه مخاطب را لحاظ نکنیم، بل باید سینمایی را مدنظر داشته باشیم که حاصل جمع آوری فرهنگ و جذابیت است. این سینمایی است که ما در آینده امیدوار برپایی آن هستیم. انشاءالله.

□ سینما و دین

دین امری ضرور در زندگی است که همانا عمل به آن سبب



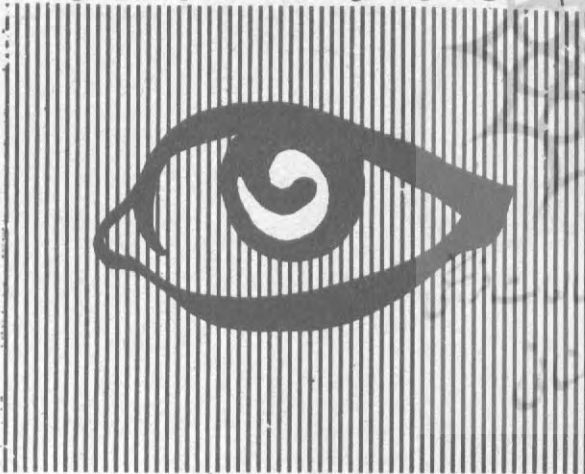
می دانیم که این نه خواست ما، که خواست همگان است. اصولی مدون و قوانینی حساب شده می باید تا بتوان با تشبث به آنها راه را پیمود و خسته نشد. چه آگاهییم بر این امر که اگر این چنین نشود، سرانجام این سینما را رفته بر باد باید فرض کنیم. باید نشست، تبادل اندیشه کرد، نظرات را بر جمع گذاشت و از آن میان که هنرمند و سیاست گذار را با خود دارد، حساب و کتابی بیرون آورد که حاصل جمع نظرگاه هردو باشد. از پس این است که می توانیم به پاکیزگی فضا امید بندیم و پنداشت نیکی از سینمای آینده ایران داشته باشیم. این- البته- حاصل نمی شود مگر اینکه نظرات و آراء هنرمند و مخاطب را پذیرا شویم، از خودبینی پرهیز کنیم و قالب ها را طوری بنا کنیم که ماحصل اتفاق نظر همگان باشد. باید که همگان راه های چاره را جستجو کنیم،

تعالی روح انسان می شود. چرا که نزدیکی به خداوند را میسر می سازد. این مشخص ترین و کوتاه ترین تعریف از دین است که همگان را بر سر آن اتفاق نظر است و کسی یافت نمی شود که جز این بگوید. سینما نیز به عنوان مؤثرترین رسانه ارتباط جمعی تعریفی مشخص دارد. اما هنگامی که می خواهیم به ترکیب سینمای دینی بپردازیم، اختلاف ها یک به یک عیان می شوند؛ اینکه آیا اصلاً چنین ترکیبی درست است یا خیر، ما را به این فرامی خواند تا کوشش کنیم ارتباط و نسبت آن دو را با یکدیگر بدست دهیم. سال ها بود که از انقلاب اسلامی می گذشت و در این زمینه کاری اساسی صورت نگرفته بود. تا اینکه برای نخستین بار حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به این امر صحنه گذاشت و با برگزاری اولین هم اندیشی «دین از چشم سینما» در فروردین

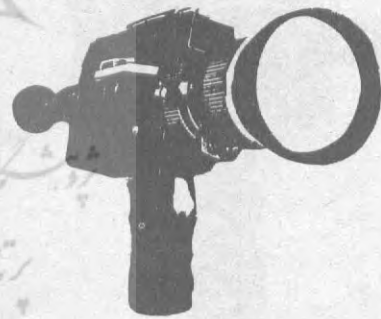
هم اندیشی دوم همچون دوره نخست آن از مساعدت و یاری فرهنگسرای خاوران برخوردار بود. چنین رویکردی از سوی سازمان های فرهنگی یقیناً می تواند توان برگزارکنندگان آن را افزایش دهد. بنابراین شایسته است که دیگر سازمان فرهنگی نیز در این امر کوشا باشند.

مهمترین کارهایی است که تا بحال بدون هیچ دلیلی تأخیر افتاده بود که این مهم نیز توسط حوزه هنری انجام شد. هم اندیشی دوم که توسط حوزه هنری و همکاری فرهنگسرای خاوران برگزار شد، مشحون از رهنمودها و راه کارهای پژوهشگران علوم دینی بود که این موضوع در جای خود امری بسیار شایسته می نمود. و این موضوع سبب شد تا بسیاری از مبانی قهقهی راجع به سینما و اشکافی شود که این اصلی ترین امتیاز هم اندیشی دوم بود؛ موضوعی که از سال های پیشتر باید انجام می گرفت: اینکه حوزه های دینی احساس کردند که باید راجع به مسائل سینمایی و ارتباط آنها با دین پافشاری بیشتری داشته باشند و از سوی دیگر سینما نیز نیازمند آمیخته شدن با نگاه های دینی بود که در چند روز برگزاری هم اندیشی بر این مسائل تأکید شد. با این حال ضعفی که در

سال ۷۵ موضوع را به شکلی گسترده تر مطرح نمود. هم اندیشی نخست به دست آمدن تعریفی درست از سینمای دینی را در دستور کار خود قرار داد. چرا که باور برگزارکنندگان، بر آن بود که اولین گام برای وارد شدن به این مرحله، رسیدن به یک تعریف است. اما همین تعریف نگاهی کارشناسانه را نیازمند است و همکاری اهالی فن را می باید. نخستین هم اندیشی اگرچه با آرامشی کامل صورت پذیرفت، اما غوغایی که در مطبوعات و بین دست اندر کاران و سیاست گذاران در پی داشت و موافقت و مخالفت ها را به همراه آورد، نشانگر ضرورت موضوع بود. حتی شاهد بودیم که چند نشریه خارجی نیز به آن پرداختند. این هم اندیشی جایگاه تضارب آراء از سوی فرهیخته ترین سینماگران ما بود که حضور آنان بر اهمیت مسأله تأکید داشت. و ویژگی



هم اندیشی حس می شد، رویکرد تقریباً ناقص فیلمسازان و سینماگران نسبت به آن بود؛ درست به عکس هم اندیشی نخست. در این هم اندیشی تعداد اندکی از سینماگران به هم اندیشی پاسخ مثبت داده بودند که این مسأله جای گله دارد. چرا که هم اندیشی به مسائلی می پرداخت که موضع کار خود سینماگران است. هم اندیشی دوم نیز با همه امتیازها و معایبش در حالی به کار خود پایان داد که بسیاری از مسائل کاربردی سینما و دین ناگفته باقی ماند. و این موضوع شاید بیشتر به علت عدم ترکیب سینماگران و دین اندیشان بود. حالا هم اندیشی سوم نیز در پیش است و امید آن می رود که تا با توسل به آگاهی ها و تجربیات به دست آمده از دو هم اندیشی پیشین، شاهد گردآمدن دست اندر کاران سینما و محققین دینی در کنار یکدیگر باشیم تا به واسطه این همایش به



هم اندیشی اول در همین موضوع بود که اغلب فیلمسازان در آن حضور داشتند و اندیشه های خود از سینما و دین را ارائه دادند. و اکثر آنان اعتقاد داشتند که به یک چنین امری مهم نمی توان در حد چند روز بسنده کرد. با آگاهی برگزارکنندگان هم اندیشی از گستردگی موضوع نوید آن داده شد که در سال های آتی نیز شاهد برگزاری آن باشیم؛ اما این بار به شکلی فراتر و کارآمدتر.

به مجرد پایان آمدن نخستین هم اندیشی، حوزه هنری برای فراهم کردن زمینه هایی شایسته تر در هم اندیشی دوم، دست به اقدامی اساسی زد؛ با تشکیل ستادهای تحقیقی- پژوهشی در حوزه های علمیه قم و مشهد، بسیاری از طلاب علوم دینی با سینما به صورت مستقیم آشنا شدند؛ آشناسازی اندیشمندان دینی با تکنیک های سینمایی، مباحث هنری و زیبایی شناسی آن از

راهی صحیح برای فائق آمدن بر مشکلات و محدودیت‌ها نائل
آئیم.

□ زن و سینما

از مدت‌ها قبل خبرهایی مبنی بر برگزاری هم‌اندیشی سینما و زن در تهران به گوش می‌رسید. هنوز هیچ چیز مشخصی وجود نداشت که عده‌ای به جنجال برخاستند و بدون اینکه از نکته‌ای آگاه باشند، مخالفت خود را اعلام نمودند. تا اینکه تاریخ قطعی اولین «هم‌اندیشی بین‌المللی حضور زن در سینما معاصر جهان» اعلام شد؛ در اسفندماه سال گذشته شاهد برگزاری این هم‌اندیشی بودیم که به همت دفتر همبستگی زنان ایران، همکاری یونسکو و مشارکت کارشناسان واحد پژوهش‌های

می‌شود و سینمای ایران از این امور مبری است. به برکت انقلاب اسلامی و با منزلتی که زن در این مقطع از تاریخ ایران پیدا کرده است، می‌بینیم که روز به روز نقش زنان در جامعه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. سینمای ایران نیز در این امر سهیم بوده است؛ حالا شاهد آن هستیم که زنان فیلمساز و همچنین دیگر دست‌اندرکاران زن سینمای ما به مرتبه‌ای متناسب با شخصیت خود دست یافته‌اند؛ به گونه‌ای که آثار آنان حتی در خارج از ایران نیز مطرح می‌شود.

با همه این حرف‌ها، برای آشنا شدن با موقعیت واقعی و غیرواقعی زنان جامعه که بخشی عمده‌ای از آن توسط سینما عرضه می‌شود، اقدام به برگزاری یک هم‌اندیشی بین‌المللی کاری بسیار ضروری بود و مایه افتخار است که اولین آن در تهران صورت



پذیرفت. به یقین مهمترین دستاورد این هم‌اندیشی بالا بردن ارزش‌هایی است که در زنان مستور است که تا بحال سینما از گسترش آنها اجتناب کرده است. با توسل به این هم‌اندیشی می‌توان بر باورهای غلطی که در اذهان عمومی شکل گرفته است، خط بطلان کشید و آنان را با سوبه‌هایی دیگر و ارزشمند از شخصیت زن آشنا ساخت که پیش از این صورت نگرفته است. از سویی دیگر مهمترین ماحصل این هم‌اندیشی برای جامعه ما که تصویری باژگونه از آن برای مردم دیگر کشورها ارائه شده است، روشن شدن شکل و ساختار جامعه ما نزد جهانیان است؛ به یقین میهمانان خارجی این هم‌اندیشی می‌توانند به نقش سفیران آن کشورها، پیام‌دارانی باشند که به اصلاح اذهان کج‌اندیش جوامع دیگر کمک می‌رسانند. ■

کاربرد سینمایی حوزه هنری انجام شد. مسائلی چون خرافات، هویت ملی، حقوق اجتماعی، اخلاق و خشونت علیه زنان که در این هم‌اندیشی مطرح شد از مهمترین موضوعاتی است که سینمای معاصر جهان مبتلا به آنهاست. تصویر عرضه شده از زن در سینما، به خصوص سینمای جهان، آن‌چنان نیست که با شخصیت واقعی زنان سنخیت داشته باشد. همین است که زنان آگاه هر جامعه‌ای از بهره‌وری نادرست و صرفاً مادی سینما از زن به درد آمده‌اند. سینما اغلب از زن نه به عنوان انسانی صاحب حقوق و تشخص، بل بیشتر به قالب موجودی منفعل و در عین حال سودآور استفاده کرده است. هم از این روست که سینما به جای اینکه عوامل پیشرفت زنان را مهیا سازد، زمینه‌های عقب‌رفت آنان را فراهم کرده است. این موضوع البته، بیشتر به سینمای جهان مربوط